

ریخت‌شناسی داستان زال و رودابه، بهرام گور و اسپینود، گشتاسب و کتیون

کیوان گورک**

دکتر خاور قربانی*

چکیده

شاهنامه، این جاودانه اثر فردوسی، قرن هاست بر تارک ادبیات ایران و حتی جهان جای دارد، در این بین ماجراهای عاشقانه‌ی شاهنامه با توجه به تم غالب حماسی آن، کمتر کنکاش شده است. این جستار به بررسی و تحلیل داستان "زال و رودابه" و دو داستان مشهور دیگر شاهنامه، یعنی "بهرام گور و اسپینود"، "گشتاسب و کتیون" می‌پردازد. ماجراهای فوق از مشهورترین قصه‌های عاشقانه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی می‌باشند. برای دستیابی به نتایج دقیق از این پژوهش، داستان‌ها را به شیوه ریخت‌شناسی تا حدّ ممکن به وسیله جداول و نمودارها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. سپس نتایج به دست آمده را بر همدیگر تطبیق می‌کنیم. هرچند از لحاظ ساختاری ویژگی‌های مشترکی بین سه داستان مشاهده می‌شود ولی چند ویژگی اصلی مانند تسلیم مسالمت‌آمیز قدرت و تغییر دین یکی از شخصیت‌های اصلی، اسپینود، از موارد اختلاف بین داستان‌ها می‌باشد که قابل توجه است.

واژگان کلیدی: پراپ، ریخت‌شناسی، زال و رودابه، ساختار افقی قصه، ساختار عمودی قصه، شاهنامه فردوسی.

*Email: ghorbani@iau-mahabad.ac.ir

**Email: gavork@iau-mahabad.ac.ir

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد مهاباد

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد مهاباد

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۷

مقدمه

تا اوایل قرن بیستم، اغلب نوشته‌هایی که در چارچوب مطالعات ادبی قرار داشت، منظر، روش و ابزار بررسی خود را بیرون از متن جست و جو می‌کردند. ولی پیدایش مکتب فرمالیسم روسی نوعی دگرگونی جدید روش شناختی را رقم زد که در واقع هرگونه بررسی و تحلیل که به بیرون از اثر راه پیدا می‌کند مردود شناخته می‌شود. به نظر فرمالیست‌های روسی «کار مطالعه‌ی یک اثر ادبی، کشف قوانین درونی اثر، از راه شناخت مناسبات عناصر زنده‌ی آن است» (خراسانی، ۱۳۸۷: ۹) در واقع روش کار فرمالیست‌ها، حاصل جمع اندیشه‌های ساختارگرایی و یافته‌های زبان‌شناسی است. آنان به بررسی ساختمان و فرم قصه می‌پردازند. برای اولین بار ولادیمیر پراپ (vladimir prop)، که یکی از برجسته‌ترین فرمالیست‌ها بود، ایده و نظریه‌ی فرمالیست‌ها را به تبعیت از روش کار زیست‌شناس‌ها، ریخت‌شناسی نامید. «واژه‌ی ریخت‌شناسی (morphology) یعنی بررسی و شناخت ریخت‌ها» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۷). «پراپ معتقد است نام قهرمان داستان‌ها و همچنین صفات آنان تغییر می‌کند اما کارها و خویشکاری‌هایشان تغییر نمی‌کند» (یوسفی نکو، ۱۳۸۹: ۳). با گذشت زمان و تحقیقات بیشتر نواقص نظریه‌ی پراپ (propp) بیشتر آشکار شد «یکی دیگر از شیوه‌های تنظیم و طبقه‌بندی قصه‌ها، تجزیه و تحلیل ساختار و قالب این آثار است. ساختارگرایی یکی از مهمترین جنبش‌های فرمالیستی است که در دهه‌های اخیر نقش مهمی در تجزیه و تحلیل آثار ادبی ایفا کرده است» (روحانی - اسفندیار، ۱۳۸۹: ۲) این روش پس از شکل‌گیری و رواج نظریه‌های فرمالیسم به وجود آمده است، «پراپ برای تحلیل ساختاری جزئیات را مد نظر قرار داد. توجه بیش از حد او به این عناصر، سبب شده تا برخی از محققان آن را به مثابه چیدن آجرهای ساختمانی در نظریه‌ی او تلقی کنند» (هارلند، ۱۳۸۵: ۲۴۷). در حقیقت، ریخت‌شناسی داستان‌ها، از زیباترین و کاملترین شیوه‌های نقد‌های ادبی به شمار می‌آید. داستان‌های حماسی، غنایی با توجه به فرم و ساختار بخصوصی که دارند برای بررسی و شناخت بیشتر نیازمند تحلیل و طبقه‌بندی ساختاری هستند با توجه به اینکه شاهنامه مهمترین اثر حماسی ما ایرانیان محسوب می‌شود و سه داستان ذیل، از مشهورترین داستان‌های غنایی و عشقی شاهنامه به حساب می‌آیند، تحلیل ساختاری و کندو کاوی دقیق و علمی آنها

ضرورت داشت. این پژوهش سعی بر رفع این کمبود دارد. رولان بارت (Rolan Bart) نویسنده و منتقد مشهور فرانسوی، داستان را شامل دو ساختار عمودی و افقی می‌دانست. ساختار افقی متشکل از مجموعه کنش‌هایی است که خط اصلی داستان را تشکیل می‌دهند، کنش‌هایی که ماهیت علت و معلولی دارند و زنجیروار از پی هم تنیده می‌شوند، تا اثر روایت شود. اما تمام یک اثر داستانی در ساختار افقی خلاصه نمی‌شود. کنش‌های دیگری هم در یک اثر داستانی وجود دارند، از دیدگاه بارت این دسته از کنش‌ها ماهیتی عمودی دارند. در عموم آثار داستانی رسم بر این است که ساختار افقی به عنوان سرمایه‌ی اصلی اثر مد نظر قرار می‌گیرد و ساختار عمودی به عنوان یک مکمل در خدمت ساختار افقی اثر حرکت می‌کند (بارت، ۱۳۸۲: ۵۶). در این پژوهش از داستان مشهور زال و رودابه به عنوان قصه اصلی و سپس دو داستان گشتاسب و کتیون، بهرام‌گور و اسپینود به عنوان داستان‌های فرعی استفاده کرده و با تحلیل سه داستان، همانندی‌های بین قصه‌های مذکور را به طریقی ساختارگرایانه نمایش می‌دهیم. جالب است که در سه قصه‌ی مورد بحث، شاه، شاهزاده یا پهلوانی از ایران با شاهزاده‌ای انیرانی یعنی خارج از محدوده‌ی ایران وصلت می‌کند، «این نوع ازدواج، برون همسری (Exogamy) نامیده می‌شود» (روح‌الامینی، ۱۳۶۰: ۲۵).

پیشینه‌ی تحقیق: تا کنون چندین مقاله پژوهشی درباره ریخت‌شناسی داستان‌های شاهنامه چاپ شده، برای مثال: «ریخت‌شناسی اسطوره‌ای شاهنامه»، هنری مشعوف (مستخرج از پایان نامه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۴). «ریخت‌شناسی داستان آفرینش در شاهنامه»، دادرس، (مجله کتاب ماه ادبیات، اردیبهشت، ۱۳۸۶). یا «بررسی ساختاری داستان‌های عشقی شاهنامه»، کازرونی و اسماعیلی، (فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۹۰). با بررسی آنها متوجه می‌شویم، در همه‌ی پژوهش‌های یاد شده، سعی شده الگوهای کارکردی پراپ، به صورت نکته به نکته، بر ساختار بندی مقاله‌ها اجرا شود، همچنین مقاله‌ای، تحت عنوان «بررسی ساختاری قهرمانان و شاهان فردوسی نامه»، مالمیر و دهقان یزدلی، (نشریه علمی تخصصی دانشگاه کرمان، ۱۳۹۰) که بیشتر به تحلیلی از دیدگاه روایت‌شناسی موضوع مورد بررسی شباهت دارد، و مقاله‌ای دیگر، تحت عنوان «نگاهی دیگر به قصه‌ی زال و رودابه»، رحمدل شرفشاده‌ی، (مجله کاوش نامه، دانشگاه یزد، ۱۳۸۵) که از دیدگاه اساطیری قصه را

مورد تحلیل قرار داده است و چند تحقیق مشابه دیگر. همچنین در مقاله ای تحت عنوان "ریخت شناسی داستان شهسوار پلینگه پوش شوتا روستا ولی"، فاطمی و عرب یوسف آبادی، (ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰). از شیوه‌ی تعیین سطح روایی داستان برای دستیابی به خویشکاری های کنشگران استفاده شده است. در حالی که این جستار، با تجزیه متن به دو ساختار افقی و عمودی، و به کمک نمودارها، داستان ها را به کامل ترین شیوه و تا حدی ابتکاری مورد بررسی قرار می دهد.

زال و رودابه: عشق بکر و دست نخورده فرزند کوهستان

این داستان، تنها داستان عشقی شاهنامه است که عشق محور اصلی داستان است، عشقی دوطرفه و آتشین که زن و مرد در آن به یک پایه کنش گر هستند. داستانی سرشار از ظرافت و طنازی که قرار است ریشه‌ی مهمترین خاندان پهلوانی شاهنامه یعنی خاندان نریمان و بستر بالیدن مشهورترین انسان شاهنامه یعنی رستم را تبیین کند.

خلاصه‌ی حکایت: ذکر خلاصه حکایت در ریخت شناسی ضروری است. روزی زال با گروهی از سپاهیان از زابل به کابل می روند. مهرباب پادشاه کابل دختری زیبا رو به نام رودابه دارد. رودابه عاشق زال می شود. زال نیز که عاشق رودابه شده طی ماجراهایی و به کمک ندیمه های رودابه، مژده‌ی طالع نیکو از طرف منجمان و کاردانی سیندخت، مادر رودابه، و پشت سرگذاشتن موانعی، از جمله مخالفت مهرباب، سام، پدر زال و منوچهر، پادشاه ایران، به وصال رودابه می رسد.

ساختار افقی حکایت (فرم شماره ۱): این شیوه‌ی تحلیل داستان، مشخصه‌ی دید جزئی نگر نویسنده است. به این معنی که خواننده خود را درون داستان و همراه با آنان احساس می کند و در حقیقت از نگاه قهرمانان داستان است که شخصیت ها و نقش و جایگاه آنها را مورد بررسی قرار می دهد.

A: وضعیت اولیه: زال فرزند سام نریمان و فرمانده سپاهیان است.

a1: آغاز گر: روزی زال با سپاهیان از زابل به کابل می روند.

B: تقدیر ۱: زال با تعریفی که از رودابه شنید ندیده عاشقش شد.

b1: تقدیر ۲: رودابه دختر مهرباب شاه با شنیدن اوصاف زال، عاشق او شد.

C: یاری گر ۱: رودابه راز دل را به پنج خدمتکارش گفت، ابتدا مخالفت، سپس قول همکاری و کمک به رودابه دادند.

C۱: یاری گر ۲: یکی از آنها به نام گلچهره قول داد زال را پیش رودابه بیاورد.

C۲: یاری گر ۳: ریدک یکی از همراهان زال و دختران همراه رودابه، زال را راهنمایی کردند که چگونه نزد رودابه رود.

D: لحظه‌ی پیوند: زال با کمند از قصر بالا رفت و شب را نزد رودابه به صبح آورد.

d۱: پیمان: زال و رودابه پیمان زنا شویی بستند و قول وفاداری به هم دادند.

E: یاریگر ۴: موبدان به زال کمک کردند تا نامه‌ای به سام بنویسد و اجازه‌ای وصلت بخواهد.

F: یاری گر ۵: سام راضی نبود ولی منجمین مژده‌ی طالع نیکو از این وصلت به او دادند. زال راضی شد.

G: مژده: گلچهره مژده‌ی موافقت سام را به رودابه داد.

g۱: دردسر: رودابه با پرس وجو از گلچهره ماجرا را فهمید و ناراحت شد.

H: یاری گر ۵: رودابه با اعتراف به عشق و با عجز و لابه، سیندخت مادرش را راضی کرد.

h۱: تدبیر ۱: سیندخت ماجرا را به مهرباب گفت. او خواست رودابه را بکشد ولی سیندخت با درایت او را آرام کرد.

I: مجازات: منوچهر بعد از فهمیدن ماجرا به سام دستور داد به کابل حمله و آنجا را نابود کند.

i1: فداکاری: زال با تهدید این که خود را خواهد کشت سام را راضی به وصلت کرد.

i2: تدبیر ۲: سام تدبیری اندیشید و نامه‌ای به وسیله‌ی زال برای منوچهر شاه فرستاد.

J: مجازات: مهرباب خواست سیندخت و رودابه را بکشد شاید سام از حمله کردن به کابل دست بکشد.

K: تدبیر ۳: سیندخت با تدبیر، مهرباب را آرام و در نقش سفیری ناشناس به پیش سام رفت.

k1: تدبیر ۴: سیندخت با هدایا و پیشکش‌های فراوان پیش سام رفت و از او خواست حمله نکند.

k2: شجاعت: فصاحت سیندخت، تدبیر و شجاعت وی باعث شد سام راضی به وصلت شود.

L: دور شدن: زال با نامه‌ی سام، نزد منوچهر شاه رسید.

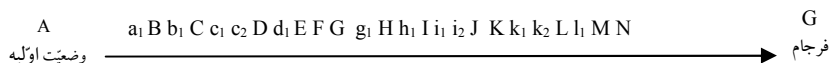
l1: یاری گر ۶: منوچهر شاه به خاطر سام و مخصوصاً به خاطر مژده‌ی طالع نیکوی این وصلت که منجمان به او دادند به وصلت زال و رودابه رضایت داد.

M: بازگشت: زال شادمانه به نزد سام برگشت.

N: لحظه‌ی وصال: زال و سام به کابل رفته و جشن عروسی گرفتند و دست زال را در دست رودابه گذاشتند.

G: فرجام: زال و رودابه به شادمانی به زندگی مشترک ادامه دادند.

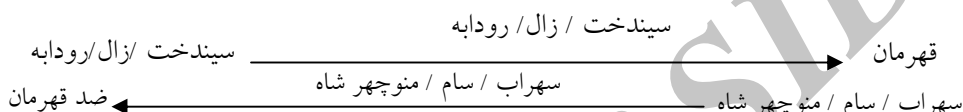
نمودار ساختار حرکتی افقی قصه



شخصیت‌ها

زال / رودابه / سیندخت	قهرمان
سام / منوچهر شاه / مهرباب شاه	ضد قهرمان
فردوسی	راوی
سیندخت / پنج خدمتکار رودابه / منجمین سام / منجمان منوچهر شاه	یاری‌گر

نمودار حرکتی شخصیت‌ها:

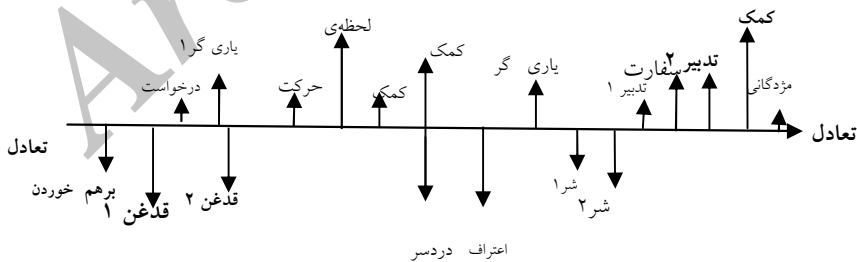


این نشان می‌دهد نمودار حرکتی آنها در تقابل با یکدیگر قرار دارد. در حقیقت قهرمان اصلی، سیندخت با هوش و کاردان است. یکی از قهرمانان مؤنث شاهنامه‌ی حکیم طوس، او مظهر زنی دور اندیش و مادری فداکار و سفیری کاردان است. کاری را که از مردان بر نمی‌آید او با ظرافت و در نقش سفیر انجام می‌دهد و سام را قانع می‌کند به جای حمله به کابل، به وصلت زال و رودابه راضی شود. یکی دیگر از شخصیت‌ها زال است. او که از ابتدا توسط پدرش دور انداخته شده و توسط سیمرغ بزرگ شده است، یک یاغی/ قهرمان به شمار می‌آید. او به خاطر به دست آوردن معشوقه و محبوبش/ رودابه، پیه‌ی همه چیز را به تن می‌مالد و جلوی پدر و منوچهر شاه می‌ایستد. رودابه که دیگر شخصیت قهرمان به شمار می‌آید. دختری زیبا و شجاع است که چند بار تا آستانه مرگ می‌رود ولی دست از دوست داشتن زال بر نمی‌دارد او نیز مظهر وفاداری و شجاعت در میان زنان شاهنامه است. این شیوه‌ی تحلیل قصه، نمایانگر دید دانای کل/ راوی کل است، یعنی کسی که بر شخصیت‌های قصه مسلط می‌باشد. بنابراین سعی می‌شود به وسیله فرم و نمودار به بهترین وجهی ساختار قصه از دید دانای کل نشان داده شود.

ساختار عمودی قصه (فرم شماره ۲)

تبادل اولیه	زال فرزند سام و فرمانده سپاهیان است.
برهم خوردن تعادل	زال و سپاهیان به کابل می روند.
قدغن ۱	رودابه ندیده بر اثر تعریف عاشق زال شد.
درخواست کمک	رودابه درد عشق را به خدمتکارها گفت و از آنها تقاضای کمک کرد.
یاری گر ۱	همدم های رودابه کمک کردند و به نزدیکی اردوی زال رفتند.
قدغن ۲	بر اثر تعریف های خدمتکارهای رودابه، زال عاشق او شد.
حرکت قهرمان	زال با کمند شب هنگام از قصر بالا رفت.
لحظه ی پیوند ۱	زال تا صبح پیش رودابه به سر برد.
کمک منجمین ۱	به کمک منجمان و راهنمایی آنها زال نامه ای به سام نوشت و شرح عشق داد.
کمک منجمین ۲	به کمک منجمین که وعده ی طالع نیکودر صورت وصلت دادند سام راضی شد.
دردسر	گلچهره که پیام آور بین زال و رودابه بود مجبور به اعتراف نزد سیندخت شد.
اعتراف	سیندخت رودابه را خواست. رودابه به عشق زال اعتراف کرد.
یاری گر ۲	سیندخت با کاردانی مهرباب را آرام کرد.
شر ۱	منوچهر شاه که از عشق زال و رودابه آگاه شده بود به سام دستور حمله به کابل داد.
شر ۲	مهرباب خواست سیندخت و رودابه را بکشد.
تدبیر ۱	سیندخت با تدبیری مهرباب را رام کرد.
سفارت	سیندخت به سفارت پیش سام رفت و او را راضی کرد از حمله منصرف شود.
تدبیر ۲	سام زال را با نامه ای نزد منوچهر شاه فرستاد.
کمک منجمین ۳	به یاری منجمین که وعده ی طالع نیکو از این وصلت دادند منوچهر شاه راضی شد.
مزدگانی	زال برگشت و مژده ی وصال را به رودابه داد.
لحظه ی پیوند ۲	زال و رودابه جشن عروسی و وصلت گرفتند.
تبادل نهایی	زال و رودابه شادمانه به زندگی ادامه دادند.

نمودار حرکتی ساختار عمودی قصه



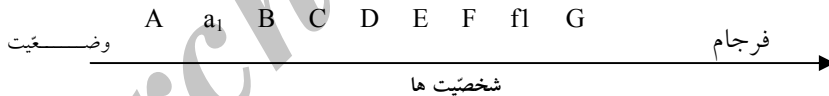
ازدواج گشتاسب با کتیون: رسم قیصر روم در شوهر دادن دخترانش به این گونه بود که همه ی پهلوانان جمع می شدند و او از میان آنان یکی را انتخاب می کرد. کتیون

دختر قیصر روم است. کتایون برای انتخاب همسر، گرد کسانی که آماده‌ی ازدواج با او بودند می‌گشت. در این بین گشتاسب شاهزاده‌ی ایرانی که از پدرش لهراسب ناراحت شده و ترک وطن کرده آنجاست. کتایون گشتاسب را انتخاب می‌کند و گشتاسب با پشت سر گذاشتن موانعی به وصال کتایون می‌رسد. سپس به میرین و اهرن که خواستگارهای دختران دیگر قیصر هستند کمک می‌کند تا ازدوجشان سر بگیرد و در آخر الیاس شاه خزر را که دشمن قیصر است شکست داده و به ایران بازمی‌گردد.

ساختار افقی قصه (فرم شماره ۳)

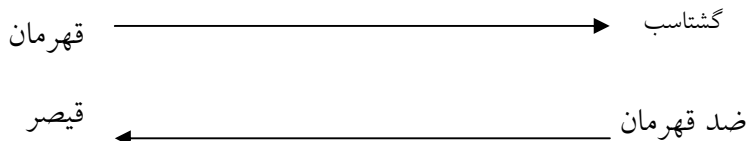
- A: وضعیت اولیه: گشتاسب که از پدرش قهر کرده ناشناس در روم اقامت گزیده است.
 a1: آغاز گر: قیصر می‌خواهد برای دخترش شوهر انتخاب کند.
 B: تقدیر: کتایون دختر قیصر، گشتاسب را انتخاب می‌کند.
 C: شر: قیصر از انتخاب کتایون ناراضی است و دستور می‌دهد گشتاسب را بکشند.
 D: یاری گر ۱: اسقف مانع می‌شود.
 E: دور شدن: قیصر دخترش را به گشتاسب می‌دهد ولی آنها را طرد می‌کند.
 F: یاری گر ۲: گشتاسب به میرین خواستگار دوم قیصر و به اهرن خواستگار دختر سوم قیصر هم کمک می‌کند.
 f1: یاری گر ۳: گشتاسب به قیصر کمک می‌کند بر الیاس شاه-دشمن- پیروز شود.
 G: فرجام: سرانجام لهراسب تاج پادشاهی را به گشتاسب می‌دهد و خود به گوشه‌ی عزلت می‌رود، و این نشانگر تسلیم مسالمت‌آمیز قدرت است که در دیگر داستان‌ها مشابه آن را نداریم.

نمودار حرکتی ساختار افقی قصه



گشتاسب	قهرمان
قیصر	ضد قهرمان
فردوسی	راوی
اسقف / گشتاسب	یاری گر

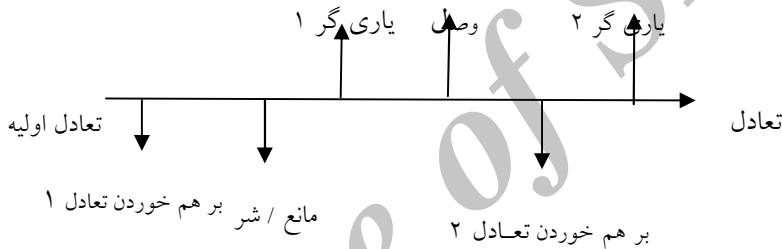
نمودار شخصیت‌ها



ساختار عمودی قصه (ف رم شماره ۴)

تبادل اولیه	پادشاهی لهراسب
بر هم خوردن تبادل	عاشق شدن کتابون بر گشتاسب
مانع / شر	قیصر مانع ازدواج است
یاری گر ۱	اسقف به گشتاسب کمک می کند
وصال	پیوند گشتاسب و کتابون
برهم خوردن تبادل ۲	شرطهای قیصر برای میرن و اهر
یاری گر ۲	گشتاسب به اهرن و میرن کمک می کند
تبادل نهایی	لهراسب کناره گیری می کند و گشتاسب شاه می شود

نمودار حرکتی ساختار عمودی قصه



عزیمت بهرام گور به نزد شنگل - شاه هند

شنگل، شاه هند در زمان بهرام گور، بسیار ظالم و سرکش بوده است. او از چین وسند باژ می گرفت. وقتی به بهرام خبر می رسد تصمیم می گیرد شخصاً به دربار او برود و موقعیت لشکری او را مشاهده نماید. اسپینود دختر شنگل عاشق بهرام می شود. بهرام با فرار کردن از دربار هند، اسپینود را به ایران آورده و با ازدواج می کند.

ساختار افقی قصه (فرم شماره ۵)

- A: وضعیت اولیه: شنگل، شاه هند ظالم و سرکش است.
 a1: آغاز گر: بهرام ناشناس به دربار او می رود تا موقعیت را بسنجد.
 B: شرط ۱: بهرام به شنگل می گوید دو نفر را برای مبارزه یا مناظره انتخاب کند.
 C: موفقیت: بهرام هر دو را شکست می دهد.
 D: شرط ۲: شنگل به شرطی اسپینود دخترش را به بهرام می دهد که در هند بماند.
 E: فرار: بهرام بعد از عروسی با اسپینود به بهانه ای فرار می کند.

- F: دردسر: شنگل دنبالشان می رود و لب دریا به آنها می رسد.
 G: رهایی: بهرام بعد از معرفی خود می گوید که از او باز نخواهد خواست.
 H: فرجام: اسپینود زرتشتی می شود و با بهرام گور به خوشی با هم زندگی می کنند.

وضعیت اولیه $\xrightarrow{\text{A a}_1 \text{ B C D E F G H}}$ فرجام

نمودار حرکتی ساختار افقی قصه نشان می دهد قهرمانان قصه کنش هایشان از وضعیت اولیه شروع و به فرجام ختم می گردد.

شخصیت ها

بهرام	قهرمان
شنگل / وزیر	ضد قهرمان
فردوسی	راوی
---	بازی گر

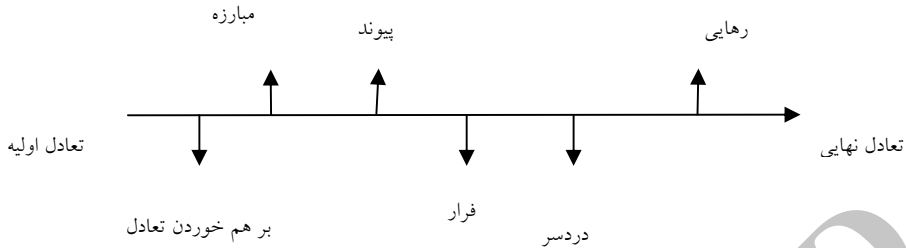
نمودار شخصیت ها نشان می دهد قهرمان و ضد قهرمان در تقابل با هم هستند



ساختار عمودی قصه (فرم شماره ۶)

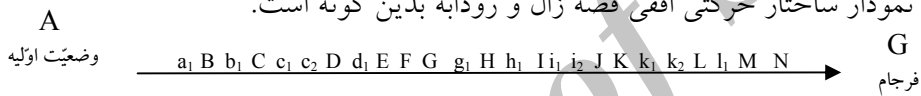
پادشاهی بهرام	تعادل اولیه
بهرام نا شناس به هند و دربار شنگل، شاه هند می رود.	بر هم خوردن تعادل
بهرام با دو نفر که شنگل معرفی کرده، مبارزه و پیروز می شود.	مبارزه
بهرام با دختر شنگل به نام اسپینود ازدواج میکند.	پیوند
بهرام با اسپینود فرار می کند.	فرار
شنگل آنها را لب دریا گیر می اندازد.	دردسر
بهرام با معرفی خود و اینکه از شنگل باز نمی گیرد رهایی می یابد.	رهايي
اسپینود زرتشتی می شود و با بهرام به خوشی زندگی می کند.	تعادل نهایی

نمودار ساختار عمودی قصه نشان می دهد که وضعیت قهرمانان از تعادل اولیه شروع و به تعادل نهایی ختم می شود

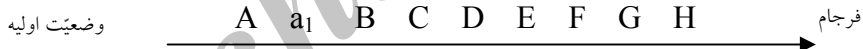


بعد از اتمام ساختار بندی داستان ها کلیه نمودارها و فرمها را به ترتیب کنار هم قرار می دهیم تا متوجه اشتراک ها و تمایزات هر کدام از داستان ها با بقیه شویم .

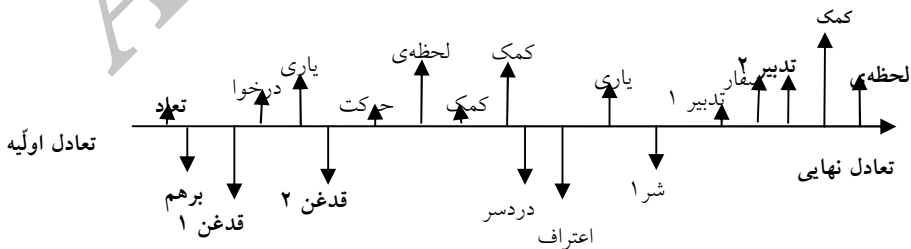
مقایسه‌ی نمودارهای ساختار افقی قصه ها :



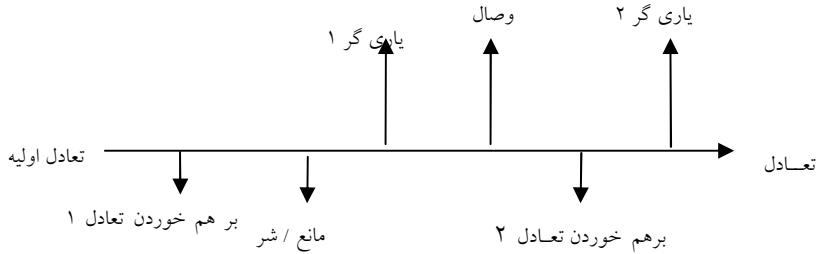
نمودار حرکتی ساختار افقی قصه گشتاسب و کتیون



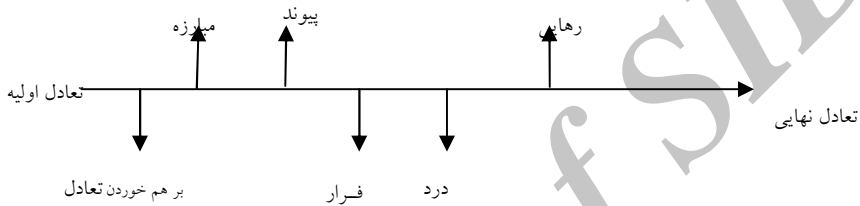
اکنون نمودارهای ساختار عمودی قصه ها را کنار هم قرار می دهیم: نمودار حرکتی ذیل ساختار عمودی قصه زال و رودابه را نشان می دهد.



نمودار ساختار عمودی گشتاسب و کتایون



نمودار ساختار عمودی قصه بهرام گور و اسپینود



و در آخر برای تکمیل پژوهش، کنش‌های اصلی، سه داستان را در فرم ذیل به نمایش گذاشته مورد مقایسه قرار می‌دهیم: (فرم شماره ۷)

تعادل	گشتاسب در دربار لهراسب	بهرام گور و اسپینود	زال ورودابه
برهم خوردن تعادل	مخالفت لهراسب، قهرورفتن گشتاسب	شنگل شاه هند ظالم است و بهرام گورپنهانی به دیدن او می‌رود	میل به گردش و رفتن زال به کابل
تقدیر شخصیتها	رفتن گشتاسب به مراسم ازدواج و دیدن کتایون	دیدن بهرام اسپینود را و عاشق شدن بر او	تعریف اطرافیان از دختر شاه کابل و تحریک زال
پیوند	انتخاب شدن توسط کتایون	انتخاب شدن بهرام توسط اسپینود	رودابه با شنیدن اوصاف زال عاشق او می‌شود
مانع	مخالفت قیصر	مخالفت شنگل	مخالفت مهرباب
دردسر	بیرون انداختن کتایون از قصر	فرار کردن بهرام از قصرشنگل	مخالفت سام، مهرباب و منوچهر
یاری گر	اسقف/گشتاسب	-----	سیندخت / پنج خدمتکار رودابه / منجمین سام / منجمین منوچهر شاه
آزمایش	کشته شدن دد وحشی و ازدها به دست گشتاسب	پیروز شدن بهرام گور در مبارزه	پاسخ به سوالات منجمان
تعادل نهایی	تقرب در دربار قیصر و ازدواج رسمی با کتایون	رهایی و ازدواج با اسپینود	بازگشت به سیستان و ازدواج با رودابه

نتیجه

الف: با بررسی داستان زال و رودابه، متوجه می شویم هرچند شاهنامه، اثری حماسی است ولی حکیم طوس فضایی عاطفی و پر از احساس را بر داستان، حاکم کرده است به طوری که عشقی ممنوع، با خردورزی به سرانجام می رسد. خرد، باعث می شود مشکلات و موانع بر سر راه پشت سر گذاشته شوند، رجوع شود به فرم شماره یک، تدبیر ۱، ۲، ۳، همچنین فرم شماره دو، تدبیر ۱ و ۲، ولی در دو داستان دیگر این قدرت بدنی قهرمانان است که باعث وصال می گردد، ارجاع به فرم شماره هفت، آزمایش، و این اصلی ترین ویژگی برای داستان زال و رودابه و تمایز آن با دو قصه دیگر محسوب می شود.

ب: در هر سه داستان این زنان هستند که مرد مورد نظر خویش را انتخاب می کنند، رجوع شود به فرم شماره هفت، پیوند.

پ: داستان زال و رودابه یاری گری خاص دارد که منجمان هستند. ویژگی که در دو قصه دیگر یافت نمی شود (رجوع شود به فرم شماره یک، F و H).

ت: در داستان گشتاسب و کتایون فرجام داستان، به تغییر و تسلیم مسالمت آمیز قدرت می انجامد که دو داستان دیگر چنین ویژگی ندارند (رجوع شود به فرم شماره سه، G).

ث: داستان بهرام و اسپینود یک ویژگی جالب دارد، اسپینود پس از آمدن به ایران تغییر دین می دهد و زرتشتی می شود در حالی که دو داستان دیگر چنین فرجامی ندارند (رجوع شود به فرم شماره پنج، H، و فرم شماره شش، تعادل نهایی).

ج: داستان بهرام و اسپینود یک ویژگی جالب توجه دیگر دارد که دو داستان دیگر چنین خصوصیتی ندارند. یعنی فقدان وجود شخصیت، یاری گر، که یکی از کنش گرهای اصلی در ریخت شناسی و تحلیل ساختاری محسوب می شود (رجوع شود به فرم شماره هفت، یاری گر).

ح: ساختار عمودی داستان‌ها با تعادل اولیه شروع و پس از روی دادن ماجراهایی که بصورت موانع یا آزمایش‌ها نشان داده می‌شود به تعادل نهایی ختم می‌گردد. این ساختار دیدگاه، روای/ دانای کل یعنی فردوسی است (رجوع شود به فرم‌های شماره دو، چهار و شش).

خ: ساختار افقی داستان‌ها با وضعیت اولیه که شخصیت‌های قصه دارند شروع و آنگاه با ورود قهرمان به قصه گسترش می‌یابد، سپس به فرجام می‌رسد. انگار داستان از دید خود قهرمانان است که تعریف می‌شود (رجوع شود به فرم‌های شماره یک، سه و پنج).

Archive of SID

منابع

- ۱- بابک، ساختار و تأویل متن، چ ششم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- ۲- بارت، رولان، لذت متن، مترجم: پیام یزدانجو، چ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲.
- ۳- پراپ، ولادیمیر، ریخت شناسی قصه های پریان، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، چ دوم، تهران: قدس، ۱۳۸۶.
- ۴- خدیش، پگاه، ریخت شناسی افسانه های جادویی، چ اول، تهران: نشر علمی، ۱۳۸۷.
- ۵- روحانی، اسفندیار؛ سبیکه، مسعود، ریخت شناسی قصه‌قلعه‌ذات الصور براساس نظریه - ولادیمیر پراپ، زبان و ادب فارسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، پاییز و زمستان، شماره ۲۲، صص: ۸۳-۶۷، ۱۳۸۹.
- ۶- روح الامینی، محمود، درون همسری و برون همسری، چیستا. دی ماه. شماره ۵، صص: ۵۳۷-۵۲۵، ۱۳۶۰.
- ۷- فاطمی، سیدحسین؛ عرب یوسف‌آبادی، فائزه، ریخت شناسی داستان شهسوار پلینگه پوش - شوتاروستاوی، ادب‌غناپی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی سیستان و بلوچستان، سال نهم، شماره ۱۷، صص: ۱۹۰-۱۷۳، ۱۳۹۰.
- ۸- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به‌کوشش سعید حمیدیان، چ ششم، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲.
- ۹- هارلند، ریچارد، درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت، گروه مترجمان زیر نظر شاپور جورکش، چ دوم، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۵.
- ۱۰- ولک، رنه، تاریخ نقد جدید، ترجمه‌ی سعید ارباب شیرانی، چ دوم، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۷.
- ۱۱- یوسفی نکو، عبدالمجید، ریخت شناسی داستان پیامبران در تفسیر طبری و سوراآبادی، فصلنامه کاوش نامه، یزد: دانشگاه یزد، شماره ۲۱، صص: ۱۴۱-۱۱۳، ۱۳۸۹.

Sources:

- 1-Ahmadi, B. **Structure and gloss Text**, Sixth Edition, Tehran; publishing center.2003.
- 2-Barthes, Roland. **fun text**; Translator: Yzdanjv message, first edition, Tehran; publishing center.2003.
- 3-Propp, Vladimir, **morphology Fairy Tales**, translated by a Bdrh F, second edition, Tehran, Quds Press.2007.
- 4-Khdysh, Pegah, **morphology magical legends**, printing, Tehran, scientific publishing.2008.

5-Rohani- Esfandiari,Sbykeh. **Morphology story fort nature of paintings and sculptures by Vladimir**, Propp theory; publication Literature Faculty of Human Sciences, Tabriz, Autumn and Winter, No. 220.2010.

6-Roh al Amin, Mahmoud. **Endogamy and exogamy**. Chista. January. No. 5.1981..

7-Fatemi, Seyyed Hossein Arab, Yusef Abad, F., **Morphology Shahsavar Plyng cover story of the village Shota**, literature, Ghana . Journal of Faculty of Letters and Human Sciences, Sistan and Baluchistan, in ninth; No. 17.2011.

8-Ferdowsi, A, **epic effort Hamidian S**. (published by Moscow), sixth edition, Tehran, publishing drop.2003.

9-Harland, Richard, **Historical Introduction to Literary Theory from Plato to Barthes**, group under Shapur Jorkesh translators, second edition, Tehran, publishing sources.2006.

10-Volek, Rene, **on New Criticism**, translated by S. Arbab Shirani, second edition, Tehran, publishing Lilies.1998.

11-Nekoo Yousefi, A., Journal of Scientific Exploration, **Morphology of Tabari Svradby stories of the prophets**, Research Letters University of Farahan, No. 21.2010.

Archive of SID